

روز گذ‌شسته ، میز گردی با حضور محمدجواد روح ، سردبیر روزنامه **گفت‌وگو** هم‌میهن و دانیال معمار ، سردبیر روزنامه همشهری در دفتر انصاف‌نیوز برگزار شد؛ میز گردی که بیشتر مناظره و عنوان آن پوشش رسانه‌های ا در اعتراضات اخیر بود. گزارش همشهری آنلاین از این میزگرد را می‌خوانید.

انصاف‌نیوز: آقای معمار قضاوت شما در مورد پوشش رسانه‌ای خصوصاً رسانه‌های داخلی در اعتراضات اخیر چگونه است؟

■ **معمار:** اجازه بدهید در مورد شرایط رسانه‌ای کشور به کمی عقب‌تر، قبل از شروع این اغتشاشات برگردیم. اساساً ما در فضای رسانه‌های کشور دچار یک خطای تحلیلی هستیم و به‌تبع آن، خطای رفتاری. طرف دیگر، ایندپندنت انگلیسی، اینترنشنال سمودی،بی‌بی‌سی انگلیسی، صدای آمریکا و همه این رسانه‌ها یک فشار رسانه‌ای، که بخشی از جنگ‌های ترکیبی است را از سال‌ها قبل شروع کرده‌اند. واقعیت این است که ما در داخل یا متوجه این جنگ رسانه‌ای نشده‌ایم یا منکر آن هستیم یا اگر هم متوجه شده‌ایم چندان اهمیتی به آن نداده‌ایم و رسانه‌های ما در این امر ورود نکرده‌اند. بچچارد نفیو که به‌عنوان معمار تحریم‌های ایران شناخته می‌شود در کتاب هنر تحریم‌هایش می‌گوید توقع ما این بود که بعد از تحریم‌ها با فشار رسانه‌ای بتوانیم مردم ایران را تسلیم کنیم. این سیاست به‌نظر من سیاست امروز نیست؛ همیشه این سیاست را دنبال کرده‌اند؛ اینکه طوری عمل کنند که با فشار رسانه‌ای بتوانند تحریم را بیشتر از چیزی که هست به مردم ایران نشان دهند.

برخی رسانه‌ها در زمین دشمن بازی کردند

■ **معمار:** این جنگ رسانه‌ای در یک ماه اخیر واقعاً عیان شده است. رسانه‌های داخلی را در این شرایط می‌توان به آدسته تقسیم کرد؛ گروه اول رسانه‌هایی که تحلیل درستی از شرایط داشتند و از جنگ رسانه‌ای طرف مقابل آگاه بودند، دسته دوم رسانه‌هایی که تعقل کردند، دیر فهمیدند و دیر عمل کردند. اینها وارد یک مار پیچ سکوت شدند؛ چون تصور می‌کردند تصویری که از آنها ساخته می‌شود، باعث ریزش مخاطب‌شان می‌شود. بسیاری از این رسانه‌ها بعد از حمله تروریستی زاهدان متوجه شدند که مسائلی مانند گروهک‌های تروریستی و تجزیه‌طلبی وجود دارد و وارد میدان عمل شدند. یک دسته از رسانه‌های داخلی هم درواقع بلندگوهای آن طرف هستند و در زمین دشمن بازی می‌کنند. البته ممکن است اهداف مختلفی داشته باشند؛ مثلاً اهداف سیاسی داشته باشند یا فقط بخواهند که بیشتر دیده شوند. ما از طرف دیگری می‌توانیم تحلیل دقیق داشته باشیم؛ تصویر اغتشاش را برای مردم بزرگ‌نمایی می‌کنند و دروغ می‌گویند. ما این‌طرف حتی گروه اولی که گفتیم و وارد میدان شدند، متهم به دوقطبی‌سازی شدند.

براندازی روی دیگر سکه ناامیدی از صندوق رأی است
■ **روح:** ما در جامعه‌مان با مسئله‌ای تحت عنوان ناکارکردسمازی یا کج‌کارکردسمازی نهادهای مدنی و ابزارهای میانجی بین جامعه و حکومت روبرو هستیم که از دیرباز یکی از مهم‌ترین آنها، رسانه در شکل‌های مختلف بوده‌است. در شرایط ناکارکردسمازی نهاد مدنی، احزاب و حتی دانشگاه‌ها، بار اصلی ایفای نقش «نهاد میانجی» بر دوش رسانه‌ها گرفته‌است. کمابینکه بسیاری از چهره‌های سیاسی ما در آغاز در مطبوعات کار کرده‌اند و وجهه رسانه‌ای داشته‌اند. اما بعد از این مقدمه، در مورد پوشش رسانه‌های حوادث اخیر، به آن دسته می‌توان اشاره کرد؛ گروهی که با یک سنگ سبوی از پیش تعیین‌شده وارد شدند که به تعبیر آقای معمار اینها تحلیل درستی داشتند، اما من این حرف را قبول ندارم، بلکه معتقدم رسانه مستقل باید بی‌طرفانه، بی‌طرفانه و با حد امکان، جمعی، انفرادی که در صحنه اجتماعی رخ داده را نشان بدهد و گزارش کند. ما هم در روزنامه «هم‌میهن» تلاش کردیم تا جایی که ممکن بود، این کار اطلاع‌رسانی را انجام دهیم. در مورد بخش رسانه‌های هم‌خلاف‌طنای آقای معمار که می‌گویند این تبلی‌ها نفعی نفهمیدند چه شده، روزنامه هم‌میهن در چندین یادداشت و مقاله در این مورد که این اعتراضات مدنی منحرف شوند به سمت دیگری که من اسمش را بلند پروازی گذاشته‌ام، هشدار داد. آقای عبیدی در یادداشتی نوشته که نمی‌توان روی نفرت سوار شد و حرکت سیاسی شکل داد. خود من هم چند روز پیش یادداشتی نوشتم با عنوان «انقلاب یا انحراف؟» و هشدار دادم که کسانی که الان دم از انقلاب می‌زنند ما همسفران را به انحراف می‌کشاند؛ حتی از سکوت اصلاح‌طلب‌ها هم دفاع کردم که وقتی نمی‌توانند به‌دلیل فشاری که از هر دو طرف وارد می‌شود نسخه بدیلی ارائه بدهند چه بهتر که نسخه‌ای ارائه ندهند و سکوت کنند! به قول آن ترانه «آخرین سنگر سبکوت»… شما بهتر است به‌عنوان یک جریان سیاسی در این شرایط سکوت کنید و البته بخش هم از هر دو طرف می‌خورید، اما بهتر از این است که آدرس غلط به جامعه بدهید!اما در حوزه گزارش و اطلاع‌رسانی نمی‌شود به‌ادلیل اینکه تحلیل خاصی داریم واقعیت را اورونه به مردم نشان دهیم؛ این کار کرده نیست؛ این ضررسانه است؛ کاری که کیهان می‌کند. از آن طرف، ایران اینترنشنال هم همین کار را می‌کند.

ننوانستیم تصویر واقعی به مردم نشان دهیم

■ **معمار:** اتفاقاً من فکر می‌کنم این‌اقلیت معاند ایران صدای خوبی در ایران دارند. برخی رسانه‌های داخل ما دقیقاً صدای آنها را منعکس می‌کنند؛ مثلاً من انتظار نداشتم هم‌میهن صدای بی‌بی‌سی باشد، ولی در حوادث اخیر همینطور بود. مثال‌ها و موارد عینی هم در این مورد دارم که خواهم گفت. در مقابل اکثریت مردم کشور، اگر قبول داشته باشید اکثریت هستند، اتفاقاً رسانه داخلی جمهوری اسلامی ننوانست صدای آن باشد. در همین یک ماه گذشته رسانه داخلی ما نتوانست تصویر واقعی از ماجرا ارائه دهند؛ به همان دلایلی که نوانست تصاویر مطرح کرد. در مقابل این رسانه‌های خارجی بودند که کاملاً منسجم برای ارائه یک تصویر دروغین از کف خیابان آماده بودند؛ تصویری که می‌گفت این نفرت و اغتشاش همه‌گیر است. این تصویر اینقدر تکرار شد که همه حتی رسانه‌های داخلی ما هم فریب این تصویر را خوردند. اتفاقی که به‌دنبال این شرایط



می‌افتد این است که مخاطب را دچار خطای تشخیص و برآورد می‌کند. این خطا تبدیل به باور و رفتار طرف مقابل می‌شود. در رسانه‌های داخلی ما، برخلاف خارجی اجماعی وجود ندارد و یکی، دو رسانه هم زورشان نمی‌رسد؛ مثلاً برای سلبریتی‌های ما خطای تشخیص به‌وجود می‌آید. من معتقدم بیشتر از آن سلبریتی‌ها رسانه‌های داخلی ما مقصدند. تصویری خلاف واقع ایجاد شد که می‌گفت کار جمهوری اسلامی تمام است. رسانه داخلی در این شرایط چه کرد؟ روزنامه‌هایی مثل هم‌میهن یا حتی رسانه‌هایی که به رسانه‌های انقلابی معروف شده‌اند، نتوانستند تصویر واقعی ارائه کنند. مه‌ران مدیری مثالی برای این توضیحات است که خود او هم توضیح داد که فضای مجازی در صورت غلطی برای او ساخته است. رهبری این شرایط هم به‌دست رسانه‌های خارجی افتاد؛ چون در داخل با وجود تلاش محدود رسانه‌هایی که تحلیل درستی نتوانستند، همکاری‌ای وجود نداشت و بخشی از فضای مجازی خیلی دزدی وارد کار شده‌بود؛ نتیجه این شد که نتوانست تصویر درستی ارائه دهد. به مرور شرایط رو به بهبود است و گرد اغتشاش از این تصویر در حال برچیده شدن است.

راجع به مصداق‌ها در مورد اینکه چطور در لایه‌های پنهان رسانه‌های داخلی به مخاطب تصویر نادرستی ارائه دادند، یک مورد را به‌عنوان مثال عرض می‌کنم. همین چند روز اخیر خبری منتشر شد مبنی بر اینکه تیم ملی فوتبال ایران از جام جهانی حذف خواهد شد. رسانه‌های داخلی باید خلاف واقع بودن این شرایط و محال بودن این احتمال را نشان می‌دادند و فضا را آرام می‌کردند، اما به جای این‌سن کار روزنامه هم‌میهن تیتز زده بود. «درخواست حذف ایران به قیفا رسید!» اتفاقاً متن این گزارش را خواندم. در پایان گفته بود که امکان چنین اتفاقی وجود ندارد، اما تیتز، کار خود را کرده و به مخاطب خود القا می‌کند که واقعا چنین اتفاقی در جریان است. این یک نمونه از همراهی رسانه‌های داخلی ما با خارج از کشور است. این اشتباه البته ممکن است به چند دلیل باشد، مثلاً اینکه مطلبی بیشتر دیده شود و درواقع حالت خوش‌بینانه‌اش این است.

در پی تک‌صدایی هستیت

■ محمدجواد روح در پاسخ به این اظهارات معمار گفت: من تشرک می‌کنم از آقای معمار که نقش ۳۰۲ روزنامه یا رسانه خصوصی که روی هم شاید ۲۰ یا ۳۰ هزار تیراز نداشته باشند را در حد خدا بالا بردند! این وسط صداسومیا با چندین کانال خارجی و داخلی و تلویزیون و… با خبرگزاری‌ها

سردبیر همشهری: در برخی رسانه‌های

ما اصراری به بیان حقیقت وجود ندارد؛

هر چند روشن باشد، همچنین تلاشی

هم برای کشف حقیقت نمی‌شود؛ هر

چند ساده باشد



خلیلی روشن بود و وجهه حق و باطل از ابتدا مشخص بود. شما تجمع برلین را نگاه کنید. چقدر پرچم‌های تجزیه‌طلبی و پرچم‌های هم‌جنس‌گرایی بلند شده بود؟ صحنه بسیار واضح است. رسانه‌های ما کی واقعا یک‌صدا بوده‌اند؟ شرق، هم‌میهن و اعتماد کی با همشهری ایسن دوره و کیهان و فارس همصدا بوده و یک حرف را زده‌اند. این اصلاً نشانه وجود جامعه مدنی در ایران است. لازم هم نیست که یک حرف را بزنند، اما در یک نفاطی و در بزنگاه‌هایی، حتماً باید عملیات مشترک داشته باشیم. چگونه بر سر برنده‌های بی‌بی‌سی، اینترنشنال، تجزیه‌طلب و سلطنت‌طلب متحد می‌شوند و عملیات مشترک انجام می‌دهند، اما ما برای حفظ ایران و آن اشتراکاتی که گفتیم، نمی‌توانیم کار مشترک انجام دهیم. البته به باور من، برخی از رسانه‌های داخلی ما، کاملاً در جهت مقاصد بیرونی عمل می‌کنند و هیچ نقطه مشترکی هم با ما و شما پیدا نمی‌کنند.

نکته دیگر این است که ما در کشور، تعدادی رسانه حرف مفت‌زن داریم. واقعا منظورم هم‌میهن نیست و خوشبختانه شما در این دسته نیستید، اما این پدیده در کشور وجود

سیاسی



در میزگرد سردبیران روزنامه همشهری و هم‌میهن مطرح شد

رسانه‌هایی که در زمین دشمن بازی کردند

■ **معمار:** برخی رسانه‌ها بلندگوی بی‌بی‌سی در داخل هستند

■ **روح:** نقش ۲، ۳ روزنامه خصوصی را در حد خدا بالا می‌برند

دارد. این رسانه‌ها، تمام تلاش‌شان دیده‌شدن است. دنبال روشن‌شدن حقیقت نیستند، بلکه دنبال دیده‌شدن هستند. من بیش از یک‌سال است که این جریان را دنبال می‌کنم. همین مثالی که آقای روح زدن درباره مدیرعامل موسسه

همشهری، محصول کار این دست رسانه‌هاست. آقای مهدیان در یک یادداشت مفصل، به فراگیری اینستاگرام اشاره کرده و گفته بود این پلتفرم فیلتر شده و کلی از مردم و کسب‌وکارها معطل مانده‌اند. مطالبه ایشان در روزنامه این بود که اگر می‌خواهید اینستاگرام را فیلتر نگه دارید به‌دنبال تک‌صدایی در جامعه ایران هستند؛ کمابینکه قبلاً هم مدیرمسئول همین روزنامه گفته بود پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی را طوری ببندید که با فیلترشکن می‌باز نشوند! در این مناظره هم، آقای معمار به‌عنوان سردبیر همشهری دلم تأکید می‌کند بر اجماع در رسانه‌های داخل! آیا این، چیزی جز تک‌صدایی است؟ الان حاکمیت را یکدست کرده‌اند، مجلس هم که به این شرایط کار و بلبل دچار است، این دولت محترم هم که شکل گرفته با کارنامه و سخنرانی‌های درخشان، این دستساور ده‌ای تا به حال یکدستی و اجماع در ساختار حکومت بوده است. حالا رسیدید به جامعه مدنی؟! با سیاستمدارها و کشتیگرها هم که آن برخورد‌ها را دارید؛ با‌زادتمی می‌کنید و تحت فشار قرار می‌دهید و بعد در شرایط بحرانی از آنها می‌خواهید که «بیباید در لشکر ما». در همین انتخابات قبل، من از بسیاری از دوستانم فحش خوردم که چرا تاروژ آخر استفاده‌ای از انتخابات دفاع می‌کنی؟! دفاع من هم به این دلیل بود که حتی همین آقای همتی از کل کاندیداهای شما حداقل منطق

بیشتری دارد. عقل در چنین شرایطی اینطور حکم می‌کند که به چنین فردی رای بدهم؛ حتی اگر از پیش صحنه‌ای ساخته شده هم آگاه باشم. الان هم مشخص است که اینها می‌خواهند فضای رسانه‌ای کشور تک‌صدایی باشد.

جرم ما هم همین است که اجازه نداده‌یم فقط یک صدا از این جامعه منعکس شود.

اسیر جوسازی حرف‌مفت‌زن‌ها نشود

■ **معمار:** تحلیل نادرست داشتن از قضایا که من بر آن

تأکید کردم، همین است. ما بر سه محور یادداشت‌های

داشته باشیم؟ من و آقای روح، هم‌میهن، همشهری، کیهان و انصاف‌نیوز حتماً بر سر حفظ تمامیت ارضی یا برخورد با

تجزیه‌طلب‌ها، نقطه مشترک داریم و اگر نداریم، به‌نظرم رسانه چه‌مهوری اسلامی نیستیم.

ما حتماً سرر حفظ امنیت هستیم و توقف آشوب، نقطه اشتراک داریم. آقای روح این را قبول دارد و می‌گوید حتی هم‌میهن و اعتماد کی با همشهری ایسن دوره و کیهان و فارس همصدا بوده و یک حرف را زده‌اند. این اصلاً نشانه

وجود جامعه مدنی در ایران است. لازم هم نیست که یک حرف را بزنند، اما در یک نفاطی و در بزنگاه‌هایی، حتماً باید عملیات مشترک داشته باشیم. چگونه بر سر برنده‌های

بی‌بی‌سی، اینترنشنال، تجزیه‌طلب و سلطنت‌طلب متحد می‌شوند و عملیات مشترک انجام می‌دهند، اما ما برای

حفظ ایران و آن اشتراکاتی که گفتیم، نمی‌توانیم کار مشترک انجام دهیم. البته به باور من، برخی از رسانه‌های

داخلی ما، کاملاً در جهت مقاصد بیرونی عمل می‌کنند و هیچ نقطه مشترکی هم با ما و شما پیدا نمی‌کنند. نکته دیگر این است که ما در کشور، تعدادی رسانه حرف مفت‌زن داریم. واقعا منظورم هم‌میهن نیست و خوشبختانه شما در این دسته نیستید، اما این پدیده در کشور وجود

بخورد؛ برعکس ایران. اینجا شما هر عکس و هر حرفی را می‌توانید بدون محدودیت منتشر کنید. طبق قانون فرانسه، اینستاگرام باید عکسی را که دولت آن کشور می‌گوید، حذف کند وگرنه فکر می‌کنم بیش از یک‌میلیون یورو جریمه می‌شود؛ کشورهای دیگر هم همینطور. در هیچ کشوری، پلتفرم‌ها نمی‌توانند بر خلاف قوانین آن کشور عمل کنند، اما در ایران اینطور نیست؛ برای همین هم تصویرهای مشکوش از اغتشاشات ایران منعکس می‌شود. این نکته واضحی است که دوستان به آن توجه نمی‌کنند. نکته بعدی هم این است که احساس می‌کنم یک خطای رسانه‌های فاحش در اینجا رخ داده و آن هم این است که دوستان خطاهای داخلی را بزرگ‌نمایی و خطاهای کشورهای دیگر را کوچک‌نمایی می‌کنند. چه اتفاقی دارد؟ می‌افتد؟ اینکه روزنامه هم‌میهن و دیگر رسانه‌های داخلی، دائماً تصویر خطاهای جمهوری اسلامی را منعکس می‌کنند. من می‌گویم پلیس جمهوری اسلامی اگر خطایی کرد، حتماً باید منعکس شود و حتماً باید با آن هم برخورد صورت بگیرد، اما رسانه‌های داخلی دائماً تصویر مشکلات داخلی و خطا را مقابل مردم قرار می‌دهند بدون آنکه پیش‌بنهاد یا مطالبه‌ای را مطرح کنند که مربوط به یک ماه اخیر هم نیست. بخشی از این اقدام، قطعاً ناشی از غرض‌ورزی سیاسی است. این رسانه‌ها می‌خواهند خطاها را برای مردم بزرگ کنند. وقتی ما می‌گوییم خشونت پلیس فرانسه را ببینید، می‌خواهیم نشان دهیم کشوری که نه رسانه معارض در خارج از مرزهایش دارد، نه با خطر تجزیه‌طلبی رویه‌روست، نه کسی قصد براندازی و تجزیه آن را دارد و نه شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در آنجا فعالیت آزاد داشته باشند، با معترضان چنین برخوردی می‌کند. شما می‌گویید این تصویر را نادیده بگیریم و به خشونت پلیس فرانسه کاری نداشته باشیم، اما در ایران با این وضعیت معارضان و با این همه سنگین دشمنان، بیابیم خطای تیزیوری را که برای حفظ امنیت، یک ماه کف خیابان بوده بیش چشم مردم بگذاریم؟ من می‌گویم این یک خطای فاحش رسانه‌ای است.

کم‌کاری، فضا را آماده دروغ‌پردازی کرده
به‌نظر من کم‌کاری رسانه‌های ما به حدی رسیده که الان دروغ‌های شاخدار به مردم تحویل می‌دهند و متأسفانه باور هم می‌شود. این اصلاً ربطی به اینکه می‌توانیم گزارش کف میدان بگیریم یا بگیریم، ندارد؛ ضمن اینکه گزارش میدانی هم گرفته‌اند. مهر گرفته‌است. فارس گرفته‌است. خبرنگار فارس بدون هیچ امکان خاصی، به‌صورت ناشناس به میان معترضان رفته و گزارش را تهیه کرده، اما اصلاً بحث من این نیست. من می‌گویم رسانه ما این قدر در نشان دادن تصویر واقعی کم‌کاری کرده که دروغ‌های شاخدار باور می‌شود. اینکه پیش‌تصویر و حرفی از شهردار تهران منتشر شد که اثبات اشتباه بودنش نیاز به سواد رسانه‌ای خاصی نداشت و با عقل سلیم هم می‌شد فهمید که دروغ است. از قول ایشان آوردند که قرار است در تهران خانه‌های عفاف تأسیس شود که دختران جوان ما هم هیجان‌تان خود را تخلیه کنند و هم پولی دربیارند. این حرف بی‌جا و دروغ پخش شد! خواص ما استوری کردند. باز یگر ما روی آن تحلیل ارائه کرد.خب، این کافی است برای اینکه ثابت شود رسانه‌های ما نتوانسته‌اند تصویر واقعی را برای مردم بسازند. بعد آقای روح می‌گویند نمی‌توانیم کار رسانه‌ای کنیم. چرا نمی‌شود؟ الان در شبکه‌های اجتماعی ما، تعداد زیادی از خبرنگاران حرفه‌ای می‌نویسند و می‌زنند که کسی ما با آنها کاری ندارد. این همان آزادی بیانی است که مردم دارد و نشان می‌دهد اگر بخواهیم تصویر واقعی برای مردم بسازیم، امکانش وجود دارد.

سوی جریان قدرت‌مند درون سیستم مواجهیم که از همه تجزیه‌طلبی‌های دیگر خطرناک‌تر است؛ آن هم این است که یک اقلیتی را ملت تلقی می‌کنند و صاحب حقوق و صاحب رامت و صاحب رسانه می‌دانند. فقط این اقلیت حق انتخاب‌شدن دارند و حتی حق انتخاب کردن هم متعلق به آنهاست. با این روند، بخش عمده‌ای از مردم حق انتخاب هم ندارند. این تبعیض سیستماتیک‌ی که شکل گرفته، عملاً به‌معنای تجزیه کردن ایران است؛ یعنی، شما تنها ۵ یا ۱۰ درصد جمعیت را ایرانی می‌دانید و بقیه را هیچ. ۹۰، ۸۰ درصد بقیه را ایرانی نمی‌دانید. ۵۰ درصد از انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکردند. شما ۵۰ درصد مردم را ایرانی نمی‌دانید؛ یعنی خوشفشان را تأمین نمی‌کنید. ایرانی یعنی شهروند صاحب حقوق؛ هر چه از مرکز دور می‌شویم، حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم کمتر به رسمیت شناخته می‌شود.

باور کرده‌اید مردم با نظام زاویه دارند

چند نکته در صحبت‌های آقای روح وجود داشت که من این اشاره می‌کنم؛ نکته اول که دیدم در صحبت‌های تلویزیونی آقای زیدآبادی هم وجود داشت و نشان می‌دهد به آن باور دارند، این است که دوستان درباره مردم طوری حرف می‌زنند که انگار ۲۰۰ع مردم داریم؛ مردم ما و مردم آنها آقای زیدآبادی گفتند ۸۰۰ صد مردم دولت‌هاست؛ فلان چیز است. این کدام مردم هستند. بالاخره یک‌بار باید تکلیف این موضوع روشن‌شود. من وقتی به مردم استناد می‌کنم منظور مردمی است که در نظرسنجی‌ها و افکارسنجی‌های معترضان از جناح‌های مختلف نظرشان را گفته‌اند و مردمی که در عکس‌ها حضور دارند. دوستان باور کرده‌اند که هر کس در انتخابات شرکت نکرده، الان با نظام زاویه دارد و مخالف است. من چنین تصویری ندارم. مشارکت در انتخابات تا حد زیادی مربوط به عملکرد دولت‌هاست؛ دولتی که ضعیف عمل کرده، مشارکت پایینی را رقم می‌زند و دولتی که قوی عمل کرد، حتماً مشارکت بالایی را هم رقم می‌زند؛ کمابینکه عملکرد دولت رئیس‌ی را می‌توان در مشارکت انتخابات آینده مجلس رصد کرد.

بزرگ‌نمایی اشتباهات داخلی

■ **معمار:** نکته دیگر هم این است که ما کاری به خشونت پلیس فرانسه نداریم. بحث ما این نیست؛ ضمن اینکه بسیاری از تصاویری که شما از آن اعتراضات می‌بینید را هم پلیس فرانسه گرفته‌است. بحث این است که شما عکس را می‌گیرید، اما در انعکاشش ممکن است به مشکل چپسخت، برخی از جرائم بازداشت‌شدگان، افزایش پدیده‌های کارهایشان فاش شد که ربطی هم به خبرنگاری و تهیه گزارش نداشت.

اینترنشنال نوانسته چون ما محروم شده‌ایم

■ **روح:** من می‌خواهم نکته مهم‌تری را مطرح کنم. به‌عنوان سردبیر روزنامه هم‌میهن، این نقد را قبول دارم

که ما در پوشش اتفاقات کف خیابان ضعیف عمل کرده‌ایم، اما چرا ضعیف عمل کردیم؟ چون حتی در تهیه گزارش از بیمارستان [محل بستری خانم امینی] هم با مشکل

مواجه شدیم؛ چه برسد به حضور در خیابان و تهیه گزارش از آن. نتیجه حذف روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و رسانه‌های معتبر داخلی از جریان اطلاع‌رسانی، افزایش پدیده‌های من‌درآوردی در فضای رسانه‌ای بوده است؛ یعنی ما خبرنگار حرفه‌ای به‌معنای کنسی که زندگی‌اش از راه روزنامه‌نگاری می‌گذرد را به دلایل گوناگون و با توجه‌همان کج‌کارکردسمازی نهاد‌های مدنی، خانه‌نشین کرده‌ایم یا به حاشیه رانده‌ایم و به‌جای آن به پدیده من‌درآوردی «شهروند-خبرنگار» میدان داده‌ایم.

اقلیت‌گرایی حکومتی

بحث اصلی این است که ما الان با یک تجزیه‌طلبی از

هم‌شهری

بخورد؛ برعکس ایران. اینجا شما هر عکس و هر حرفی را می‌توانید بدون محدودیت منتشر کنید. طبق قانون فرانسه، اینستاگرام باید عکسی را که دولت آن کشور می‌گوید، حذف کند وگرنه فکر می‌کنم بیش از یک‌میلیون یورو جریمه می‌شود؛ کشورهای دیگر هم همینطور. در هیچ کشوری، پلتفرم‌ها نمی‌توانند بر خلاف قوانین آن کشور عمل کنند، اما در ایران اینطور نیست؛ برای همین هم تصویرهای مشکوش از اغتشاشات ایران منعکس می‌شود. این نکته واضحی است که دوستان به آن توجه نمی‌کنند. نکته بعدی هم این است که احساس می‌کنم یک خطای رسانه‌های فاحش در اینجا رخ داده و آن هم این است که دوستان خطاهای داخلی را بزرگ‌نمایی و خطاهای کشورهای دیگر را کوچک‌نمایی می‌کنند. چه اتفاقی دارد؟ می‌افتد؟ اینکه روزنامه هم‌میهن و دیگر رسانه‌های داخلی، دائماً تصویر خطاهای جمهوری اسلامی را منعکس می‌کنند. من می‌گویم پلیس جمهوری اسلامی اگر خطایی کرد، حتماً باید منعکس شود و حتماً باید با آن هم برخورد صورت بگیرد، اما رسانه‌های داخلی دائماً تصویر مشکلات داخلی و خطا را مقابل مردم قرار می‌دهند بدون آنکه پیش‌بنهاد یا مطالبه‌ای را مطرح کنند که مربوط به یک ماه اخیر هم نیست. بخشی از این اقدام، قطعاً ناشی از غرض‌ورزی سیاسی است. این رسانه‌ها می‌خواهند خطاها را برای مردم بزرگ کنند. وقتی ما می‌گوییم خشونت پلیس فرانسه را ببینید، می‌خواهیم نشان دهیم کشوری که نه رسانه معارض در خارج از مرزهایش دارد، نه با خطر تجزیه‌طلبی رویه‌روست، نه کسی قصد براندازی و تجزیه آن را دارد و نه شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در آنجا فعالیت آزاد داشته باشند، با معترضان چنین برخوردی می‌کند. شما می‌گویید این تصویر را نادیده بگیریم و به خشونت پلیس فرانسه کاری نداشته باشیم، اما در ایران با این وضعیت معارضان و با این همه سنگین دشمنان، بیابیم خطای تیزیوری را که برای حفظ امنیت، یک ماه کف خیابان بوده بیش چشم مردم بگذاریم؟ من می‌گویم این یک خطای فاحش رسانه‌ای است.

کم‌کاری، فضا را آماده دروغ‌پردازی کرده
به‌نظر من کم‌کاری رسانه‌های ما به حدی رسیده که الان دروغ‌های شاخدار به مردم تحویل می‌دهند و متأسفانه باور هم می‌شود. این اصلاً ربطی به اینکه می‌توانیم گزارش کف میدان بگیریم یا بگیریم، ندارد؛ ضمن اینکه گزارش میدانی هم گرفته‌اند. مهر گرفته‌است. فارس گرفته‌است. خبرنگار فارس بدون هیچ امکان خاصی، به‌صورت ناشناس به میان معترضان رفته و گزارش را تهیه کرده، اما اصلاً بحث من این نیست. من می‌گویم رسانه ما این قدر در نشان دادن تصویر واقعی کم‌کاری کرده که دروغ‌های شاخدار باور می‌شود. اینکه پیش‌تصویر و حرفی از شهردار تهران منتشر شد که اثبات اشتباه بودنش نیاز به سواد رسانه‌ای خاصی نداشت و با عقل سلیم هم می‌شد فهمید که دروغ است. از قول ایشان آوردند که قرار است در تهران خانه‌های عفاف تأسیس شود که دختران جوان ما هم هیجان‌تان خود را تخلیه کنند و هم پولی دربیارند. این حرف بی‌جا و دروغ پخش شد! خواص ما استوری کردند. باز یگر ما روی آن تحلیل ارائه کرد.خب، این کافی است برای اینکه ثابت شود رسانه‌های ما نتوانسته‌اند تصویر واقعی را برای مردم بسازند. بعد آقای روح می‌گویند نمی‌توانیم کار رسانه‌ای کنیم. چرا نمی‌شود؟ الان در شبکه‌های اجتماعی ما، تعداد زیادی از خبرنگاران حرفه‌ای می‌نویسند و می‌زنند که کسی ما با آنها کاری ندارد. این همان آزادی بیانی است که مردم دارد و نشان می‌دهد اگر بخواهیم تصویر واقعی برای مردم بسازیم، امکانش وجود دارد.

ضعف اطلاع‌رسانی و پاسخگو نبودن پلیس
■ **روح:** شما اطلاع‌رسانی پلیس در قضیه خانم امینی را با اطلاع‌رسانی قوه قضاییه در ماجرای آتش‌سوزی زندان اوین مقایسه کنید. بالاخره رسانه رسمی قوه قضاییه در حد قابل قبولی نوانست ماجرا را توضیح دهدد و برای همین هم اگر دقت کرده باشید، اینترنشنال و بی‌بی‌سی خیلی به اوین تیراخوانند؛ در حالی که می‌بینیم در ماجرای اوین هم به‌رسانه‌ها و رسانه‌های مستقل امکان فعالیت داده نشده، اما همین خود روابط‌عمومی و رسانه‌های خود قوه‌قضاییه نسبتاً خوب و حرفه‌ای عمل کرده‌اند، نتیجه‌بهتری هم گرفته‌اند. در هر اتفاق دیگری هم اگر خود دستگاه مربوطه عملکرد رسانه‌ای مناسبی نداشته باشد، رسانه‌ها خبرنگار آنها را دشمن نپندارند؛ نتیجه می‌گیرد و هر حد با عمل کنند و به رسانه‌ها و افکار عمومی پاسخ صریح و بموقع ندهند، فضا را قوی‌تر شما برای دروغ‌های شاخدار باز خواهند کرد. در پایان بحث، به نکته‌ای اشاره کنم. من به‌عنوان کسی که سال‌هاست کار مطبوعاتی انجام می‌دهم، می‌توانم شهادت دهم که هم در دوره آقای رئیسی و هم در دوره آقای‌زاده‌ای تلاش قوه‌قضاییه بر تعامل و حل مسئله بار رسانه‌ها بوده و این نگاه، جایگزین آن نگاه دشمنی بر برخوردی شده‌است که مدام با توقیف خبرنگارها همراه می‌شد. اما متأسفانه در جریان بحران اخیر، همان جریان‌ی که دنبال تک‌صدایی جامعه‌است، دارد تلاش می‌کند قوه‌قضاییه را به دوران رفتوری بازگرداند. این جریان دارد از حوادث اخیر سواستفاده می‌کند، اما اگر دقت کنیم این جریان از دلجی قبل از مرگ مهسائمی، کارش را شروع کرده بود. کیهان چند ماه است که هر هفته گزارش و تحلیل دارد که این رسانه‌ها به موساد و کجا و کجا وصل هستند.

■ **معمار:** نکته آخر من این است که باید ببینیم پرسش امروز مردم چیست؟ به‌نظر من بخشی از مردم نسبت به عملکرد کارگزاران نظام، چه در مجلس، چه در دولت و چه در سایر نهادها اعتراض دارند. سواد اساسی مردم این استند که اعتراض خود را چگونه بیان کنند؟ به‌نظر من رسانه‌ها در پاسخ به این سؤال هم کوتاهی کرده‌اند. ما به مردم نگفته‌ایم که طبق اصل ۲۷ قانون اساسی، تجمع اعتراضی که محل اسلام و امنیت نباشد، جزو حقوق شهروندی است. طبق قانون احزاب، اصلاً تجمع اعتراضی نیاز به مجوز ندارد و برای راهپیمایی باید مجوز گرفت. ما به مردم نگفته‌ایم که اتفاقاً در همین جمهوری اسلامی در ۲ سال گذشته بیشتر از ۲۵۰۰ تجمع اعتراضی مسالمت‌آمیز برگزار شده‌است. این اعتراض‌ها همیشه جریان داشته و نتیجه هم داده است. بالاخره طرح رتبه‌بندی معلم‌ها بعد از

تجمعات آنان به نتیجه **همشهری آنلاین بخوانید @**

رسید و اکنون در حال اجراست. مادر رسانه‌ها باید این

ظرفیت را منعکس کنیم.

